

محمد میرزایی، استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و رئیس سابق انجمن جمعیت‌شناسی، ضمن یادداشتی به تحلیل جمعیت‌شناختی باخت تیم ملی فوتبال ایران از زاین پرداخته است. با نقد بخشی از این نوشته، که هم قول فالت و هم تماشا، همراه شويد. میرزایی نوشته است: «بعد از مسابقهٔ فوتبال ایران و زاین، برای تعدادی از همکاران و دوستان یادداشتی با این مضمون نوشتم: پیروزی ژاپن برابر ایران، پیروزی منطقی و هویشاری بر احساس و غفلت بود. نتایجسلی فوتبال ایران، کمتر از زاین نبود. برخی افراد ناگاه از علم جمعیت و جمعیت‌شناسی به دور از معیارهای علمی فرس به جلو کرده و با به کار بردن عبارتی همچون «بحران» و حتی گاهی «سنسوامی» سعی دارند از مرحلهٔ سابقه‌گردی جمعیت غول‌ی بی‌شاخ و دم و یا به عبارت ساده‌تر لولو بسازند. لازم است با اغتنام فرصت نکته مهمی را یادآوری کنم. زاین بیش از دو دهه است که وارد مرحلهٔ سالخوردگی جمعیت شده و در حال حاضر سالخورده‌ترین کشور دنیااست و در عین حال از توسعه یافته‌ترین کشورهای دنیا. در همین دوره سالخوردگی جمعیت، چهار بار قهرمان آسیا شده و با پیروزی منطقی و هوشمندانه برای بار پنجم به فینال رسید. جمعیت کشور ما حدود سال ۱۴۳۰، به اهستگی به مرحله سالخوردگی جمعیت خواهد رسید، یعنی حدود ۱۵ درصد جمعیت، در سنین بالای ۶۵ سالگی قرار خواهند گرفت. مرحله‌ای که اروپا بیش از ۶۰ سال و زاین حدود ۳۰ سال است که به آن رسیده‌اند و می‌بینیم که نه بحران است و نه سنوامی بلکه مرحله‌ای است که باید با برنامه‌ریزی، آن را مدیریت کرد. با توجه به روندهای جمعیتی و طی شدن مراحل انتقال جمعیتی تا پایان قرن ۲۱، جمعیت همه کشورهای دنیا (حتی کشورهای آفریقایی) به مرحله سالخوردگی خواهد رسید و این اتفاق فی نفسه اتفاق ناگواری نیست، همان طور که هم‌اکنون جمعیت عمده کشورهای پیشرفته جهان در مرحله سالخوردگی است… پیروزی زاین سالخورده بر ایران جوان نشان می‌دهد که سالخوردگی اساسا بحران نیست. مرحله‌ای است طبیعی. می‌توان در عین حال که سالخورده‌ترین کشور دنیا بود، پیشرفته‌ترین و پرنرژتری‌ترین هم بود.»

اما آنچه نکته در پیرامون تحلیل فوق: میرزایی گفته‌است که برخی افراد جمعیت‌شناس می‌خواهند با واژگان بحران و سنوامی جمعیت، از سالخوردگی جمعیت لولو بسازند. اما آیا کسانی که عبارت «بحران جمعیت» را به کار برده اند، لزوما همان کسانی هستند که دکتر میرزایی، نون کیشوت‌وار به آنها می‌تازد؟، خیر. جالب است بدانید نخستین کسی که از عبارت بحران جمعیت برای وضعیت جمعیت ایران استفاده کرده است، یک روزنامه نگار غربی به نام مایکل کوک (Michael Cook) بوده است. این فرد، ۱۰ سال قبل یعنی در سال ۲۰۰۹ میلادی

حوادث آسانسور کم نیست، مسئولان از استاندارذنبودن ۹۰درصد آسانسورهای موجود در ساختمانهای شهری سخن می‌گویند، ۷۰۰ هزار آسانسور در این ساختمان‌ها وجود دارند، اراهه‌های آهنینی که می‌توانند حادثه آفرین باشند.

آشپایی با ابعاد سوانح آسانسور به عنوان یک وسیله تخصصی در ساختمان‌های شهری، هرچند در نظر اول پیش پا افتاده به نظر می‌رسد، اما از ظریفی برخوردار است که در ارتقای ایمنی شهروندان بسیار موثر است.

به گزارش ایران، در مقررات ملی ساختمان که در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، در بندهای ۴، ۳ و ۱۵ اشراهای به موضوع آسانسور و ضوابط آن از نظر سازه مانده توسط تعهدات سازنده

آسانسور شده است که در آن بخش‌ها به نحوه بهره‌برداری از آسانسور و سرویس دهی‌ها و استفاده از ابزارهای مختلف پرداخته شده است. بررسی گروه‌های امداد و نجات نشان می‌دهد که علت بیشتر این دسته از حوادث، نواقص فنی ناشی از نبود بقت در نصب و راهاندازی آسانسور و استفاده از وسایل و قطعات نامناسب است. در سال‌های اخیر ک به‌لند مرتبه سازی در تهران و به دنبال آن نصب آسانسور افزایش پیدا کرده است، کارشناسان نیز از نین زور به فزونی گذشته است. کارشناسان تاکید می‌کنند که نهادهای مسئول مانند وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها باید بر ضرورت اعمال مقررات و استانداردها توسط شرکته‌ها و افرادی که به نصب آسانسور اقدام می‌کنند، نظارت داشته باشند. به‌همراه استفاده بیشتر از آسانسور به‌عنوان وسیله‌ای برای تسهیل رفت و آمد، حفظ ایمنی و سلامت استفاده کنندگان از آن نیازمند توجه بیشتری است. در این رهگذر، آسانسور از جمله اجزای مهمی است که به گفته کارشناسان خدمات ایمنی، نیازمند استاندارد اجباری است. گرچه دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی، استاندارد ملی آسانسور برای این کشور کرده است، اما شرکت‌های داخلی نصب و راهاندازی آسانسور اغلب از استانداردهای قدیمی استفاده می‌کنند و توجه به استانداردهای جدید ندارند.

بیشترین حوادث آسانسور کداندند؟
رئیس اورژانس تهران می‌گوید: حوادث ناشی از آسانسور عمداً محسوس شدگی و به‌عده توهی نامطلوب مسواری چون تنگی نفس و همچنین گیر کردن و در رفتن آن و نیز ماندن اعضای بدن مسافران بین درها و مسیر حرکت است.

به گفته پیمان صابریان، از عمده‌ترین دلیل به وجود آمدن این حوادث می‌توان به قطع برق و محسوس شدن افراد در کابین آسانسور و همچنین سوزار شدن تعداد بیش از ظرفیت مسافران اشاره کرد که بیش از باقی موارد بیش آمده است. این امر به خاطر فقدان سیستم black out و ژنراتور برق در ساختمان است. وی اضافه می‌کند: همچنین سوزار شدن بیش از ظرفیت و پاراشوت کردن آسانسورها یا فقدان سیستم اورژانس و نگهداری مناسب

در یادداشتی با عنوان «بحران جمعیتی ایران» (Iran’s demographic crisis) با اشاره به جمعیت بالای جوانان در کشور نوشته است: «تا اواسط این قرن، این جوانان، سالمند خواهند شد و جمعیت سن کار نسبتاً کمی برای حمایت از آنها در جامعه‌ای با روابط شدیدنا تضعیف شده خانوادگی، وجود خواهد داشت. در واقع در درازمدت، آینده، بسیار تاریک به نظر می‌رسد. (سؤال حقیقی و رمز و راز این است که چگونه نخبگان حاکم ایران، برای این مسئله آماده می‌شوند؟»

همچنین فائزه سامانیان – محقق ایرانی الاصله مقیم کره جنوبی– نیز ۶ سال قبل، در مقاله‌ای با عنوان «بحران خاموش باروری ایران» (Iran’s silent fertility crisis) می‌نویسد: نیکولاس ابرشتات و اپورواشاه برخی از پیامدهای تغییرات جمعیتی را برای سال‌های آینده دسته‌بندی کرده‌اند. در این طبقه‌بندی، ایران در کاهش باروری رتبه نخست را در میان کشورهای اسلامی دارد. در سال ۲۰۳۰، ایران کمترین درصد از جمعیت ۲۴–۱۵ ساله در جهان اسلام را خواهد داشت، مگر اینکه دولت بتواند با توقف و در واقع معکوس کردن، این جریان را متوقف کند.»

حسین مروتی

پاس گل به دشمن باتحلیل ناقص از وضعیت جمعیتی کشور

آیا واقعا وضعیت جمعیت کشور بحرانی نیست؟

پس خوب است دکتر میرزایی بدانند که عبارت «بحران جمعیت»، اختراع کارشناسان متعدّد جمعیت کشور نبوده است، اما آیا واقعا آن‌گونه که این فرد می‌گوید، وضعیت کشور بحرانی نیست؟ میرزایی اذعان می‌دارد که جمعیت ایران رو به سالخوردگی می‌رود، اما مدعی است چون همه کشورهای دنیا گرفتار این مسئله خواهند شد، این مسئله بحران نیست؛ یا به قول ضرب‌المثل شیرین خودمان «هزای عمومی، عروسی است». حالا اگر فرض سالخورده شدن جمعیت تمام کشورهای دنیا (که به دلایل متعدد یک ادعای واهی و بی‌پایه است)، را بپذیریم آیا دیگر سالخورده شدن جمعیت ما بحران نخواهد بود؟ یا کشور دچار صفت کمبود نیروی کار و هزینه سنگین نگهداری از جمعیت بیش از ۲۰۰ میلیون سالخوردگان نخواهد شد؟ آیا امنیت کشوری با مختصات ایران، در شرایطی که یک نفر از

هر سه نفر جمعیتش بیش از ۶۰ سال داشته باشد، به خطر نخواهد افتاد؟ آیا روند پیش‌سرفت کشور در علم و صنعت و قدرت کند نخواهد شد؟

حقیقت این است که حتی اگر جمعیت تمام کشورهای دنیا سالخورده شود، چیزی از مصیبت این بحران برای ما نمی‌کاهد. البته که سالخورده شدن جمعیت ایران، لافلاق دو تفاوت عمده با سالخوردگی کشورهای اروپایی و زاین دارد.

نخست اینکه سالخورده شدن جمعیت در ایران با سرعت فوق‌العاده زیادی رخ خواهد داد و بسیار شدید خواهد بود. دکتر حبیباله زنجانی، استاد مطرح جمعیت‌شناسی کشور در این زمینه گفته است: «با ادامه روال فعلی باروری، بُعد خانوار در حوالی سال ۱۴۰۵، به ۳ خواهد رسید و بعد از آن، کاهش شدیدتر خواهد شد و این کاهش شدیدیتر به معنی سالخوردگی بسیار شدید جمعیت ایران خواهد بود.» نامحی اردکانی رئیس سابق سازمان ثبت احوال کشور نیز در مورد سرعت سالخورده شدن جمعیت کشور گفته بود: «ایران در سرعت رسیدن به مرزهای سالمندی، سومین رتبه جهانی را دارد.» اما تفاوت مهم دیگری که بین سالخورده شدن جمعیت ایران و کشورهای اروپایی و زاین وجود دارد این است که جمعیت این کشورها پس از توسعه

یافتگی پیر شد، اما جمعیت ایران پیش از رسیدن به پیشرفت شایسته‌اش در حال سالخورده شدن است، مسئله‌ای که تاامین هزینه‌های وحشتناک جمعیت سالخورده را فوق‌العاده دشوار می‌کند. فیلیپ لانگمن (Phil Longman) جمعیت‌شناس مطرح آمریکایی در این زمینه گفته است: «هنوز شدیدترین سقوط در باروری و سریع‌ترین نرخ کاهش سالمندی جمعیت، در کشورهای در حال توسعه در حال رخ دادن است؛ جایی که بسیاری از ملل در حال رشد سالمندی هستند، پیش از آنکه ثروتمند شده باشند. ایران (بعد از انقلاب)، به طور کامل دو سوم از سطح باروری خود را کاسته است. با آخرین فرزند به زاری هر زن، سن باروری تا ۲/۱) و اکنون با سطح باروری کمتر از حد جایگزینی، قادر به حفظ جمعیت خود در طول زمان نیز نیست.»

اجتماعی

Ejtmaee @kayhan.ir

پیشرفت کشورهای توسعه یافته قبل از سالخوردگی جمعیت

این هم که میرزایی نوشته است زاین در حال حاضر سالخورده‌ترین کشور دنیا و در عین حال از توسعه یافته‌ترین کشورهای دنیا است. یک مغالطه و بی‌دقتی آشکار است. زاین و کشورهای توسعه یافته غربی ابتدا به واسطه جمعیت جوانی که البته بعد رسیدند و سپس به دلیل وقوع «انقلاب جنسی» مبتلایا به کاهش نرخ باروری شده، جمعیتشان سالخورده شد و این معضل سالخوردگی جمعیت نیز به شدت از رشد اقتصادی این کشورها کاست، در حالی که این مسئله برای کشور ایران روند کاملاً متفاوتی را طی کرده است و اساساً هیچ کشوری نمی‌تواند با جمعیتی سالخورده، به پیشرفت مطلوبش برسد.

باور بحران جمعیت در کشورهای جهان
حال آا کشورهایهایی که جمعیتشان سالخورده شده است، نیز مانند دکتر میرزایی معتقدند «سالخوردگی اساساً بحران نیست؟» آیا آنها هم استاده‌اند به تماشای سالخورده شدن هرچه بیشتر جمعیت‌شان و اقدامی نمی‌کنند؟

برای رسیدن به پاسخ این سؤال کافی بود دکتر میرزایی، این زحمت را بر خود هموار کرده، بحران باروری و بحران جمعیت را به انگلیسی در گوگل جست‌وجو کند. آنگاه متوجه می‌شد که تا چه حد

کشورهای اروپایی و زاین، نگران بحران جمعیت هستند. آنگاه می‌دید که «مرکز جمعیت‌شناسی و سرمایه‌گذاری جهانی وینگشتاین»، بحران جمعیت اروپا را در همین سال گذشته میلادی به بحث گذاشته است. این وقت می‌دید که وبگاه کورا به این سؤال پاسخ داده است که «چرا کاهش جمعیت اروپا بحران است؟» آنگاه می‌دید که روزنامه گاردین در یادداشتی به بحران جمعیت شناختی (demographic crisis) اروپا پرداخته و این موضوع را در مقاله‌اش به تیرش هم از این قرار است: «اروپا برای جلوگیری از فاجعه جمعیتی، به‌چپهای بسیار بیشتری نیاز دارد!»

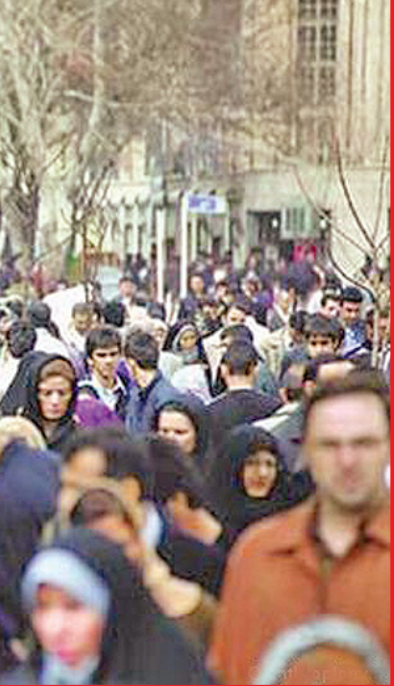
ساینت ژاپن‌ هم همین چند ماه قبل نگران بحران جمعیتی است. آنگاه می‌دید که «مرکز جمعیت‌شناسی و سرمایه‌گذاری جهانی وینگشتاین»، بحران جمعیت اروپا را در همین سال گذشته میلادی به بحث گذاشته است.

طبق تحلیل این اسناد تمام دانشگاه تهران، چون تیم فوتبال یک کشور سالخورده پیشرفته، تیم ملی ایران را شکست داده، سالخوردگی بحران به شمار نمی‌آید!خب این استناد مزبور، زمانی که تیم ملی فوتبال ایران به عنوان یک کشور جوان غیرپیشرفته تیم آمریکای توسعه یافته، که میانه سنی جمعیتش قریب به ۱۵ سال بیشتر از ایران بود را شکست داد، یکجا بود که یک تحلیل ناب جمعیت شناختی ارائه بدهد و ملت را از نظرات خود مستفیض کند؟!

یادداشتی را منتشر کرد که تیرش این بود: «ما به فهم بحران بودن از کمبود جمعیت نیاز داریم» همین وضعیت بحرانی جمعیت هم بوده است که باعث شده زاین به انتصاب «وزیر زاد و ولد» روی بیاورد و کشورهای اروپایی برای مردشان مشوق‌های کلان فرزندانوری در نظر بگیرند، مسائلی که البته بعدی است میرزایی از آنها بی‌خبر بوده باشد.

یک تناقض بی‌پاسخ

اما بی‌مایگی متن میرزایی در آن قسمت به اوج می‌رسد که می‌نویسد: «پیروزی زاین سالخورده بر ایران جوان نشان می‌دهد که سالخوردگی



این چهار تیم، تیم‌های جوان‌تر به فینال رفته‌اند و جوان‌ترین تیم نیز قهرمان شده است!
اشتباه جهت دار
اما آیا تحلیل دکتر میرزایی، صرفاً به کم‌سواد و بی‌اطلاعی او می‌بر می‌گردد؟ توجه به مصاحبه‌های این فرد نشان می‌دهد که او همواره به صورت جهت‌دار، اشتباه می‌کند.

او در مصاحبه‌ای که نگارنده قبلاً نقد کرده است، مدعی شده بود، خشک شدن دریاچه ارومیه و زاینده‌رود، پیامد رشد جمعیت بوده است!در حالی که کارشناسان مربوطه در این موضوع اجماع دارند که ریشه معضل آب، عدم مدیریت صحیح منابع آبی کشور است. میرزایی در همان مصاحبه گفته بود: «کثون ما در وضع عروسی جمعیتی قرار گرفته‌ایم» نرخ باروری کشور را هم بیش از حد واقع عنوان کرده بود. قبل از آن مصاحبه نیز در ادعایی متضح نگفته بود: «از دید کارشناسی، سالخوردگی جمعیت، شاید یک فرصت باشد تا تهدیدها» اخیراً هم در مصاحبه‌اش رسماً گفته است: «مسئولان فکر سالخوردگی جمعیت ایران را نکنند و چالش‌های

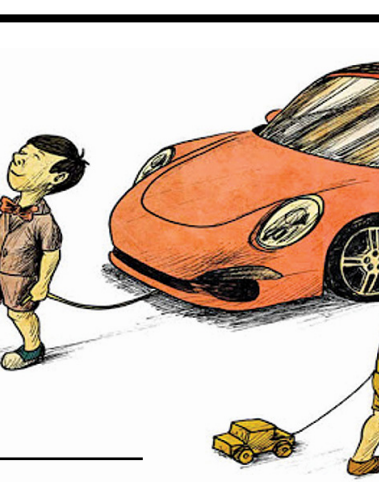
حقیقتاً این استدلال، از یک سو، مرزهای منطق را کیلومترها جابه‌جا کرده و از سوی دیگر تاریخ تحلیل‌های جمعیت شناختی را به قبل و بعد از خود تقسیم نموده است!

حال جالب است بدانیم که میانگین سنی چهار تیمی که در جام‌ملته‌ای آسیا به نیمه‌نهایی راه یافتند از این قیران بوده است: امارات با میانگین سنی ۲۷/۶۵ سال بیشترین میانگین سنی را داشت، رتبه بعد ایران بود با ۲۷/۰۴ سال؛ میانگین سنی تیم ملی زاین ۲۶/۰۲ و قطر ۲۴/۸۷ بود. حال اگر ما هم بخواهیم یک تحلیل جمعیت شناختی ارائه بدهیم می‌توانیم بگوییم که از



ایست چهار تیم، تیم‌های جوان‌تر به فینال رفته‌اند و جوان‌ترین تیم نیز قهرمان شده است!
اشتباه جهت دار
اما آیا تحلیل دکتر میرزایی، صرفاً به کم‌سواد و بی‌اطلاعی او می‌بر می‌گردد؟ توجه به مصاحبه‌های این فرد نشان می‌دهد که او همواره به صورت جهت‌دار، اشتباه می‌کند.

او در مصاحبه‌ای که نگارنده قبلاً نقد کرده است، مدعی شده بود، خشک شدن دریاچه ارومیه و زاینده‌رود، پیامد رشد جمعیت بوده است!در حالی که کارشناسان مربوطه در این موضوع اجماع دارند که ریشه معضل آب، عدم مدیریت صحیح منابع آبی کشور است. میرزایی در همان مصاحبه گفته بود: «کثون ما در وضع عروسی جمعیتی قرار گرفته‌ایم» نرخ باروری کشور را هم بیش از حد واقع عنوان کرده بود. قبل از آن مصاحبه نیز در ادعایی متضح نگفته بود: «از دید کارشناسی، سالخوردگی جمعیت، شاید یک فرصت باشد تا تهدیدها» اخیراً هم در مصاحبه‌اش رسماً گفته است: «مسئولان فکر سالخوردگی جمعیت ایران را نکنند و چالش‌های



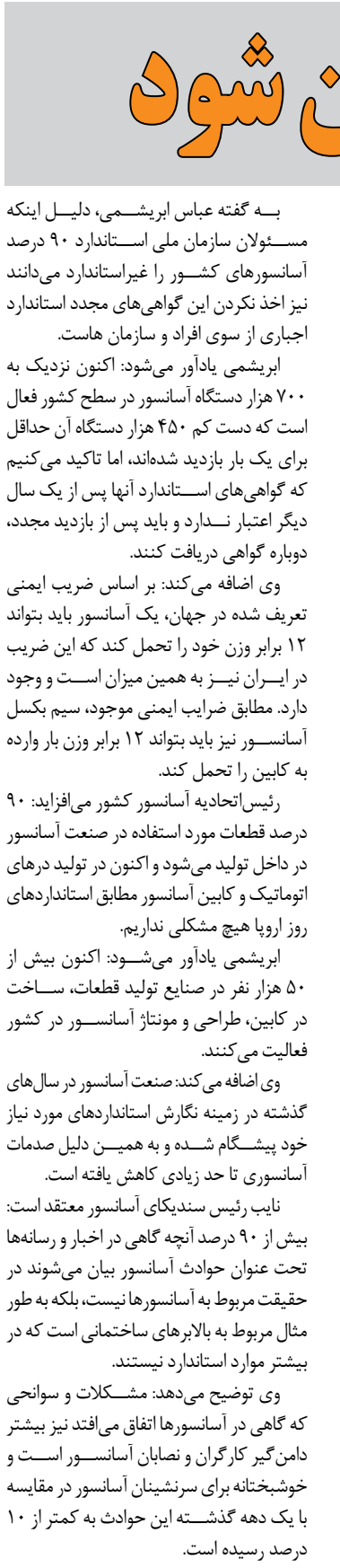
اسلام به هیچ وجه با داشتن ثروت شخصی مشروع و منطقی مخالف نیست، مخصوصاً وقتی که این سرمایه در مسیر رشد و پیشرفت کشور و یا کمک به محرومین و مستضعفین جامعه به کار گرفته شود، اما آنگاه فقط به شسرت‌کهای مجاز مراجعه شود و در ساختمان‌های بزرگ مسئول تاسیسات به طور دائم و مقیم ناظر کارکرد آسانسورها باشند. در صورت بروز حادثه با حفظ خونسردی و آرامش خود با یک موضوع به نیروهای امدادی اطلاع داده شود. رئیس اتحادیه آسانسور کشور نیز به سرویس، نگهداری و خدمات پس از فروش آسانسور در خصوص اشاره می‌کند و می‌گوید: باید استانداردهای دورهای آسانسور در کشور اجباری شوند که لازمه آن صدور گواهی مجدد استاندارد اجباری در فرآیندی یک تا دوساله است.

به گفته عباس ابریشمی، دلیل اینکه مسئولان سازمان ملی استاندارد ۹۰ درصد آسانسورهای کشور را غیراستاندارد می‌دانند نیز اخذ نکردن این گواهی‌های مجدد استاندارد

اجباری از سوی افراد و سازمان هاست. ابریشمی یادآور می‌شود: اکنون نزدیک به ۷۰۰ هزار دستگاه آسانسور در سطح کشور فعال است که دست کم ۴۵۰ هزار دستگاه آن حداقل برای یک بار بازدید شده‌اند، اما تاکید می‌کنیم که گواهی‌های استاندارد آنها پس از یک سال دیگر اعتبار نسداد و باید پس از بازدید مجدد، دوباره گواهی دریافت کنند. وی اضافه می‌کند: بر اساس ضریب ایمنی تعریف شده در جهان، یک آسانسور باید بتواند ۱۲ بار وزن خود را تحمل کند که این ضریب در ایران نیز به‌طور ممتد استاندارد است و چون دارد، مطابق ضراب ایمنی موجود، سیم بکسل آسانسور نیز باید بتواند ۱۲ بار وزن بار وارده در کابین را تحمل کند.

رئیس اتحادیه آسانسور کشور می‌افزاید: ۹۰ درصد قطعات مورد استفاده در صنعت آسانسور در داخل تولید می‌شود و اکنون در تولید درهای اتوماتیک و کابین آسانسور مطابق استانداردهای روز اروپا هیچ مشکلی نداریم. ابریشمی یادآور می‌شود: اکنون بیش از ۵۰ هزار نفر در صنایع تولید قطعات، ساخت در کابین، طراحی و مونتاژ آسانسور در کشور فعالیت می‌کنند. وی اضافه می‌کند:صنعت آسانسور در سال‌های گذشته در زمینه نگارش استانداردهای مورد نیاز خود پیشگام شده و به همین دلیل صدمات آسانسوری تا حد زیادی کاهش یافته است. نایب رئیس سندیکای آسانسور معتقد است: بیش از ۹۰ درصد آنچه گاهی در اخبار و رسانه‌ها تحت عنوان حوادث آسانسور بیان می‌شوند در حقیقت مربوط به آسانسورهای بی‌بیم است. بلکه به‌طور مثال مربوط به بالابراهی ساختمانی است که در بیشتر موارد استاندارد نیستند.

وی توضیح می‌دهد: مشکلات و سوانحی که گاهی در آسانسورها اتفاق می‌افتد نیز بیشتر دامن‌گیر کارگران و نمایان آسانسور است و خوشبختانه برای سرشنیان آسانسور در مقایسه با یک دهه گذشته این حوادث به کمتر از ۰ درصد رسیده است.



صفحه ۸ سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۷ ۱۳ جمادی الثانی۱۴۰۰ شماره ۲۳۲۸

متولّدان این دهه (دهه شصت) را حل کنند!»

تغییر عجیب نظرات

میرزایی در همین تحلیل فوتبالی اخیر هم گفته است که جمعیت کشور به اهستگی به مرحله سالخوردگی خواهد رسید، در حالی که خود او پیش از این مکرراً در مقالاتش به سرعت بالای سالخورده شدن جمعیت کشور اذعان کرده بود. به عنوان نمونه میرزایی در مقاله‌ای با عنوان «جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران بر اساس سرشماری‌های ۱۳۳۵–۱۳۸۵» که در سال ۱۳۸۶ منتشر شده، آورده است: «با توجه به آهنگ پرشتاب کاهش باروری ایران طی



دو دهه اخیر، پیش‌بینی می‌شود حرکت به سمت سالخوردگی جمعیت تسریع شود.» همچنین میرزایی به اتفاق دوستش در «گزارش ۱۰ اهداف فعالیت جمهوری اسلامی ایران در خصوص اهداف کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه» که در سال ۱۳۸۳ منتشر شده، نوشته است: «پیش‌بینی‌ها حاکی است که جمعیت ایران علیرغم تمرکززی که در حال حاضر بر گروه‌های جوان دارد، به سرعت در مسیر انتقال به سالخوردگی جمعیت قرار گرفته است. علت اصلی این امر، کاهش شدید باروری و تا حدودی هم افزایش امید زندگی در کشور است.» جدی آیا این همه تناقض و پریشان‌گویی می‌تواند طبیعی و بی‌دلیل باشد؟ چرا این فرد و برخی همکارانش، از هر فرصتی برای تقابل با سیاست‌های کلی نظام در بحث جمعیت استفاده می‌کنند؟ از این میر چه سودی عایدشان می‌شود؟ امید است که هرچه زودتر، علل پشت پرده اقدامات خرابکارانه این گروه در موضوع جمعیت، برای عموم مردم مشخص شود. خورشید حقیقت، تابد پشت پر خمی‌ها.

اشرافگیری و فاصله طبقاتی آفت حال و چالش آینده احمدزاهدایتی

نیز در بی خواهد داشت و این به مفهوم از دست دادن شپوتخانه مردمی و کم‌رنگ شدن مقبولیت مسئولین، دولت و نظام حکومتی است. همچنین این پدیده شوم به تدریج زیربنای فکری و فرهنگی کشور را تضعیف نموده و باعث می‌شود تا فرهنگ‌های نامطلوب و زظهار داخلی و خارجی مانند؛ عروسی‌های بسیار پر هزینه، میهمانی‌های اسراف‌گونه و حتی برگزاری مراسم تدفین و ترحیم اجتنابی و یا همنشینی با سگ و مسایر حیوانات خانگی و غیر خانگی، خرید خودروهای گران‌قیمت، تغذیه با غذاهای لاکچری، پوئشنی و آرایش نامتعارف برای آفازدها و نیز افراد تازه به دوران رسیده و نوکیسه‌ای که با رات و رشوه و سواس‌استفاده از موقعیته‌ها، ثروت نامشروع خود را کسب کرده‌اند، به یک فرهنگ عادی برای فخر فروشی و به اسارت گرفتن عزت، کرامت و امنیت دیگران تبدیل شود.

طبیعی است که آثار وضعی این رویکرد و غرق شدن در متجارب اشرافگیری و رفاه‌زدگی، چیزی جز افزایش ناهنجاری‌هایی مانند؛اعتیاد، مشروب‌خواری، خودکشی و گسترش سایر مفاسد اخلاقی و اجتماعی و بی‌سببی و امنیتی و در نهایت تباهی زندگی جوانان نخواهد بود. از همین روستت که امام‌خامنه‌ای مکرراً به مسئولین در مورد عواقب و مشتنتاک آن هشدار می‌دهند و بسیاری از کارشناسان نیز از این پدیده شوم به عنوان بزرگترین تهدید حال و چالش آینده که جدی‌سببی است صدای زنگ خطر می‌دهند. می‌رسد، نام می‌برند. بی‌شک همان‌گونه که گفته شد، هرگونه تأخیر در مقابله با این آفت، می‌تواند خسارات فراوانی را به کشور و جامعه تحمیل نماید و لذا مسئولین محترم باید به‌طور جدی و قبل از آنکه خیلی دیر شود، راه‌کارهای مبارزه با آن را در دستور کار خود قرار دهند.

پیشنهاد استفاده از وقف برای پیشگیری از تلفات حوادث رانندگی

مجید مزجی

طبق آمار رسمی، در سال ۱۳۹۶ بیش از ۱۶ هزار نفر بر اثر تصادف‌های رانندگی در کشور کشته و بیش از ۳۳۵ هزار نفر مصدوم شده‌اند. این در حالی است که از این تعداد مصدوم حدود ۶۰ هزار نفر دچار معلولیت دائمی شده‌اند. بازماندگان حوادث رانندگی از جمله ایتم‌ها، زنان سرپرست خانوار و مولولان، جمعیت بسیار بالایی را شامل می‌شوند و هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کنند.

آسیب‌های اجتماعی و فقر حاصل از حوادث رانندگی نیز قابل توجه است. سالانه حدود هفت درصد تولید ناخالص داخلی کشور در بخش خسارت‌های ناشی از تصادف‌ها هزینه می‌شود. اما در این میان می‌شود با استفاده از ظرفیتهای موجود فرهنگی و اجتماعی متعدد در جهت پیشگیری و کمک به کاهش خسارات جانی و مالی حوادث رانندگی حرکت کرد. یک پیشنهاد این است که از ظرفیت سنت حسنه وقف استفاده شود تا در کنار دستگاه‌های دیگر حاکمیتی از بروز حوادث رانندگی پیشگیری شود. می‌شود در کنار اینکه مردم اموال خود را برای خدمت به ایتم وقف نمایند، بخشی از اموال خود را وقف نمایند تا گودکی بنشیند. به‌عنوان مثال دیدیم‌ها، راننده موتورسیکلت تنها به‌خفراط عدم استفاده از کلاه ایمنی استاندارد دچار ضربه مغزی شده و فوت می‌شود. علت استفاده نکردن از کلاه ایمنی، یا عدم اطلاع از اهمیت آن است و یا راننده موتورسیکلت پول لازم برای خرید کلاه ایمنی استاندارد را ندارد. در هر دو صورت، واقلان می‌توانند موضوع وقف خود را تعریف نمایند؛ فرهنگ‌سازی در جهت پوشیدن کلاه ایمنی یا هدیه کلاه ایمنی به موتورسوارانی که به‌دلیل ناتوانی مالی قادر به خرید کلاه ایمنی استاندارد نیستند. می‌تواند دیگر نیز، صنایع نقاط حادثه‌خیز، کمک به سازمان‌های مردم نهاد، تحقیق و پژوهش، ترتیب خودرو-سازان به افزایش ایمنی، توسعه حوالنقل ریلی و اصلاح حمل‌ونقل ایمنی و ایجاد فاصله مردم از ترددی و یا وقف اشتراکی (اجتماعی) در جهت پیشگیری از تصادف‌های رانندگی باشد.

طبق اعلام وزارت راه و شهرسازی برای کاهش تعداد تلفات سوانح رانندگی از ۱۶ هزار کشته به ۹ هزار کشته در طی ۱۰ سال، برنامه‌هایی تدوین شده که تحقق آن به اعتبارات ۲۸ هزار میلیارد تومانی نیاز دارد که بعد است دولت به تنهایی توان تأمین این اعتبارات را داشته باشد، پیشنهاد این است که سازمان اوقاف و امور خیریه به‌بستری را فراهم کند که سنت حسنه وقف (فقرانی و اجتماعی) بتواند در کنار بقیه نهاده‌ا و سازمان‌های حاکمیتی قسمتی از این بار سنگین را بر دوش گیرد.